

ماه رجب ، ماه یگانه شدن با خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حلول ماه مبارک رجب را تبریک عرض می‌کنیم و ضمن سلام به مقام تکوینی ماه رجب عاجزانه از خدا می‌خواهیم مرحمتی بفرماید که ما از نعمت‌ها و رحمت‌های این ماه محروم نشویم .

خسران بزرگی است که در ماه رجب قلب را نسبت به این ماه متذکر نکنیم . در مورد ماه رجب روایت مشهوری از کتاب المراقبات مرحوم آیت‌الله ملکی تبریزی(ره) خدمت‌تان نقل می‌کنیم . البته مستحضر باشید که این کتاب به نام‌های مختلف ترجمه شده است و کتاب بسیار خوبی است به خصوص برای ماه‌های رجب و شعبان و رمضان و ذیحجه . به روایتی که مشهور است به حدیث فرشته « داعی » التفات بفرماید .

رَوَى عَنْ النَّبِيِّ (صلوات‌الله‌عليه‌وآله) : « أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى نَصَبَ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ ، مَلِكًا يُقَالُ لَهُ الدَّاعِي » خدا یک ملکی در آسمان هفتم دارد که اسم این ملک در آن آسمان « داعی » است (اول یادتان باشد چرا آسمان هفتم ؟ آسمان هفتم مقام حقیقت محمدی(صلوات‌الله‌عليه‌وآله) است یعنی این روایت منطبق است بر مقام پیامبر آخرالزمان - صلوات‌الله‌عليه‌وآله -) . « فَأَذَا دَخَلَ شَهْرُ رَجَبٍ ، يُنَادِي ذَلِكَ الْمَلِكُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى الصَّبَاحِ » از سر شب تا صبح این مَلَك ندا می‌کند . - یعنی غیب هفتم عالم بر غیب جان شما ندا می‌کند - یعنی یک ارتباط پنهانی باطنی از آبطن عالم که همان آسمان هفتم باشد که دیگر بالاترش مرتبه‌ای نیست ، ارتباطی از آن باطنی‌ترین حقایق با بنیان وجود ما . آری خداوند یک ملک را مأمور کرده است که در این یک ماه با جان ما این حرف‌ها را بزند .

نمی دانیم خداوند به لطف و کرم خودش کمکمان می کند که از امشب آن ندا را بشنویم ، آری می شود شنید . خودتان ببینید انگار حال و هوای ماه رجب چیز عجیبی است ، پس معلوم است آن ندا چون نسیمی بر جان مسلمانان می وزد .

حتماً می دانید که ماه رجب قبل از اسلام هم مورد توجه بوده است . حضرت نوح(علیه السلام) در ماه رجب کشتی شان را حرکت دادند . در تاریخ داریم که خود اهل مکه با اینکه مسلمان نبودند این ماه را حفظ می کردند ، چون در مقام بقیه پیامبران این مسئله مطرح است و اهل مکه در عین بت پرستی ، تحت تأثیر انبیاء گذشته بوده اند .

این ملک چه می گوید ؟ ببینید اینها به قلب می خورد « **طُوبَى لِلذَّاكِرِينَ ، طُوبَى لِلطَّائِعِينَ** » یعنی ملک می گوید ، خوشا به حال آنهایی که اهل ذکر حق هستند ، خوشا به حال آنهایی که اهل اطاعت هستند ، ملک می گوید : ای ذاکران ! مطیعان ! مستغفران ! مژده ، مژده ، بشارت ، بشارت . « **يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى : أَنَا جَلِيسٌ مِّنْ جَالِسِنِي** » این ملک می گوید که خدای تعالی می فرماید : کسی که با من بنشیند ، من با او می نشینم ، من هم نشین آنم که با من هم نشین شود ، یعنی خداوند دارد مخلوقش را به هم نشینی با خودش دعوت می کند . و حتماً می دانید با ذکر و انجام دقیق حرام و حلال خدا است که ما یاد خدا می کنیم و اینها وسیله ای است که آدم با خدا بنشیند . دارد یک خبری را در یک ماه خاص می دهد که بنده هم نشینی خاص الهی را در این ماه برای خود تهیه ببینید . بعد ادامه سخن حضرت حق این است :

« **وَ مُطِيعٌ مِّنْ أَطَاعَنِي** » ، الله اکبر ! خداوند می فرماید : در این ماه بدانید که من پیروی می کنم از کسی که از من پیروی کرد . ببینید مشکل چقدر حل می شود . مگر ما گاهی نمی خواهیم از شرّ یک مشکل راحت شویم . از یک فساد اخلاقی ، از وسوسه های آزاردهنده راحت شویم ؟ می فرماید : این ماه آن ماهی است که اگر از من اطاعت کنی ، آن وقت هر چه بخواهی ، من از تو اطاعت می کنم و هر چه بخواهی به تو می دهم . یعنی از دریچه رجبی شدن ، می شود حوائجی را که خداوند حاضر است به ما بدهد ، به ما بدهد . یعنی بنده رجبی ، بنده ای است که می تواند کاری کند که حکم خدا با حکم خود آن بنده متحد شود .

در همین جا یادتان بیاوریم که در روایت هست « در روز قیامت در محشر ، یعنی در آن تنهایی محض ، ندا می آید : **أَيْنَ الرَّجْبِيِّونَ** » یعنی کسانی که در ماه رجب با خدای خود انس

خاص گرفتند و نگذاشتند ماه رجب به راحتی از دستشان برود ، کنجایند ؟ پس معلوم است که با اعمال ماه رجب برای انسان یک نوع شخصیت خاص پدید می‌آید ، یعنی رجبی شدن یک نوع وجود تکوینی برای انسان به وجود می‌آورد ، چیز ساده‌ی اعتباری نیست مثل اسم گذاری بدون رابطه با حقیقت افراد نیست .

در ادامه‌ی روایت هست که آن ملک می‌فرماید : « غَافِرٌ مِّنِ اسْتِغْفَرِنِي » من بخشنده‌ی آنم که از من بخشش خواهد . معلوم است استغفار ماه رجب ، استغفار خاص است . عموماً یکی از ذکرهای ماه رجب ذکر استغفار است و به شکل‌های مختلف هم آمده است ، همه‌اش روی حساب است . آنجا که « رَبِّي » را ندارد و می‌فرمایند هر روز ۷۰ مرتبه صبح و ۷۰ مرتبه عصر بگویند « اسْتَغْفِرُاللهَ وَ اتُّوبُ اِلَيْهِ » چون در دامن ربّ ماه رجب خود را قرار داده دیگر « رَبِّي » را نمی‌گویند بلکه توجه و توبه‌اش به سوی « الله » است . حتماً متوجه‌اید « الله » مقام جمع اسماء الهی است ، لذا با دستور دادن به این ذکر می‌خواهند قلب متوجه « الله » باشد ، همان طور وقتی که « رب » را در ذکر می‌آورند می‌خواهند قلب توجه‌اش به مقام ربوبیت حق باشد و لذا عرض ما این است که شکل این ذکرها روی حساب است و همان طور که روایت آورده باید گفت .

و یا اینکه در رابطه با استغفار ماه رجب می‌فرمایند : ۱۰۰ مرتبه یا ۴۰۰ مرتبه در این ماه بگویند « اسْتَغْفِرُاللهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اتُّوبُ اِلَيْهِ » که در این استغفار « الله » را برای قلب خود ترسیم می‌کنی و یگانگی محض او را برای خود تفهیم می‌کنی و سپس « وَ اتُّوبُ اِلَيْهِ » را می‌گویی ، یعنی من به سوی چنین خدای یگانه‌ای که تمام مقصد قلبم هست آدمم . یا می‌فرماید بسیار بگو : « اسْتَغْفِرُاللهَ وَ اسْأَلُهُ التَّوْبَةَ » یعنی خدایا غفران و بخشش تو را طلب می‌کنم و تقاضا می‌کنم که توبه‌ی مرا بپذیری و به من نظر کنی .

حاصل کلام این که خداوند در این ماه می‌فرماید : « غَافِرٌ مِّنِ اسْتِغْفَرِنِي » خداوند بخشنده کسی است که توبه کند و بخواهد وارد یک حیات معنوی بدون هرگونه کدورتی شود .

ادامه روایت هست که خدا می‌فرماید: « **الشَّهْرُ شَهْرِي** » ماه ، ماه من است . چه قدر آدم دلش گرم می‌شود که کجا آمده است ، « **وَالْعَبْدُ عَبْدِي** » بنده هم بنده من است . وقتی می‌فرماید : ماه ، ماه من و بنده هم بنده من است ، یعنی جا دارد که روح بنده با این ماه متحد شود تا با صاحب این ماه ارتباط یابد . یعنی مقامی است که من در این ماه بنده‌ام را برای خودم خالص می‌کنم . زمینه یگانه شدن بنده با خدا در این ماه فراهم است ، این ماه عجیب است .

این ماه در میان شیعیان آن قدر که لازم است مورد توجه قرار نگرفته است . اهل سنت ماه رجب را خیلی متوجه هستند چون به واقع پیامبر(صلوات الله علیه وآله) عنایت خاصی به این ماه داشتند . می‌فرماید : این ماه ، ماه من است . حال ببینید ماه خدا بودن ، یعنی اینکه یگانه برای خدا شویم . یگانه شدن یک نگاه عملی دارد و یک نگاه نظری . هم باید بینش و قلب انسان در این ماه با خدا یگانه شود ، این با استغفار و ذکر « لا اله الا الله » که هر دو هم ذکر این ماه است ، محقق می‌شود . و هم یگانه شدن عملی باید باشد که آن هم به کمک روزه است . روزه یگانه شدن برای خداست . حال ببینیم مزه‌هایش چیست ؟ در ادامه روایت می‌فرماید که : « **وَالرَّحْمَةُ رَحْمَتِي** » یعنی رحمت در این ماه همه رحمت است ، آن هم رحمت من است . پس در این ماه رحمت فراوان است . « **فَمَنْ دَعَانِي فِي هَذَا الشَّهْرِ أَجَبْتُهُ** » هرکس مرا در این ماه بخواند اجابتش می‌کنم و جوابش را می‌دهم . شاید بگویید خدایا ما همیشه و هروقت تو را بخوانیم اجابت می‌کنی . ولی معلوم است این دعوت خاص است که می‌فرماید : اگر مرا بخوانی ، اجابت می‌کنم و یک اجابت و جواب‌گویی خاصی را همراه دارد .

ماه رجب ، ماه امنیت از غضب الهی

آیت الله ملک‌ی(ره) در کتاب المراقبات در رابطه با ماه رجب به عنوان یکی از ماه‌های حرام می‌فرماید : در ماه حرام خداوند آنچنان غضبش فروکش می‌کند که بر دشمنانش هم فروکش می‌کند ، لذا در ماه حرام اگر دشمن تان ، یعنی دشمن اسلام هم به شما حمله نکند ، در این ماه ترک مخاصمه کنید . دشمن اسلام اگر حمله نکند یعنی اگر جهاد دفاعی نباشد باید ترک مخاصمه کرد . یعنی غضب خدا در این ماه این طوری است . مگر غضب خدا بر دشمنان خدا جاری نیست ؟ ولی این ماه این قدر عجیب است که خداوند می‌فرماید : باید به

دشمنان خدا هم آمدند. این یعنی چه؟ یعنی شرایط غیبی این ماه ما را در شرایطی قرار می‌دهد که عامل فاصله گرفتن ما از مقام غیبی که همان غضب خداست در صحنه نیست و لذا در چنین شرایطی زمینه ارتباط ما با خدا شدیداً فراهم است. به همین جهت است که می‌فرماید: هر کس مرا دعا کند استجاب می‌کنم. این یک نوع استجاب خاص است. یعنی تو در این ماه در هر شرایطی هستی که هر چه بگویی به سرعت اجابت می‌شود. در شرایط دیگر این جور نیست.

در ادامه می‌فرمایند: «وَمَنْ سَأَلَنِي أَعْطَيْتُهُ وَمَنْ اسْتَهْدَانِي هَدَيْتُهُ» حرف، دهن ما گذاشته اند. می‌فرمایند: اگر از من چیزی بخواهید به تو می‌دهم، پس چرا نمی‌خواهید؟ و اگر از من طلب هدایت و راه‌جویی کنی تو را هدایت می‌کنیم. بله حرف یاد ما دادند که ما در این ماه از خدا بخواهیم که خدایا ما را هدایت کن. ما انوار غیبی تو را رها کنیم، کجا برویم؟ و دعاهایی که ائمه (صلوات‌الله‌علیهم) در این ماه دارند در همین راستاست.

«وَجَعَلْتُ هَذَا الشَّهْرَ حَبْلًا بَيْنِي وَبَيْنَ عِبَادِي» این ماه را چون یک ریسمان قرار دادم بین خود و بندگانم. پس ماه رجب به عنوان یک شرایط استثنایی است تا انسان از آن استفاده کند و بالا برود مثل یک طناب که یک سر آن در دست خدا است و یک سر آن را رها کرده‌اند تا ما بگیریم و بالا رویم، با اعمال و آداب مخصوص این ماه سرطناب را برای بالا رفتن خواهیم گرفت.

«فَمَنْ اغْتَصَمَ بِهِ وَصَلَ إِلَيَّ» کسی که به ریسمان ماه رجب چنگ بزند به من وصل می‌شود. عرض کردیم چنگ زدن به آن هم مشخص است، یعنی آداب ماه رجب را رعایت کند.

کشف رجب در خود

ما دوباره در این جا تأکید کنیم، این که در قیامت می‌فرماید: «أَيْنَ الرَّجَبِيُّونَ» یک نکته دقیقی است و خبر از یک حقیقت بزرگی می‌دهد. می‌دانید که در قیامت داریم «يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ» (قمر/۶) یعنی روزی که دعوت کننده‌ای دعوت می‌کند و می‌خواند. می‌دانید که این خواندن و دعوت کردن منطبق است بر بنیاد روح انسان‌ها، یعنی یک خواندن اعتباری نیست. یعنی همین طور که جهنم، جهنمیان را می‌خواند و جذب می‌کند، بهشت هم بهشتیان را

جذب می‌کند. در همین راستا است « رجبیون » یعنی یک مقامی در بعضی انسان‌ها به جهت استفاده کردن از ماه رجب پیدا می‌شود و در آن عالم آن مقام ظاهر می‌گردد، آن وقت این افراد در آن عالم شاخص هستند، یعنی یک نوع بزرگی و ابرومندی برای آنها در قیامت هست. به همین جهت می‌خواهیم عرض کنیم « رجب » یک مقام تکوینی است که هرکس می‌تواند در درون خودش به نحوی آن را کشف کند و احیاء کند، اگر احیاء شد آن وقت ببینید این یک مقامی است که اگر طبق روایت یک روز از آن را روزه بگیرید، موجب « دفع جهنم » است، روزه دوم آن، « ایجاد صراط » است. یعنی چه که از صراط می‌گذریم؟ یعنی جاده به سوی بهشت برایمان کشیده می‌شود. صراط جاده به سوی بهشت است و لذا روزه دوم ماه رجب موجب پدید آمدن صراطی است که آن صراط به سوی بهشت است. یعنی انسان با دومین روزه ماه رجب قلب خود را به سوی بهشت جهت می‌دهد، دیگر سرگردان نیست، انسان جهت دار شد. روزه سوم آن « ایجاد بهشت » است، یعنی وصل به بهشت. این ماه دارای یک چنین مقامی است که خداوند ان شاء الله برایمان توفیقاتش را مرحمت کند.

اتصال به بهشت

خود این ماه، ماه رحمت بزرگ خداست که در دعاهاى آن هست. پس تأکید ما یکی این است که کاری کنیم این ماه را که در درون ذات هرکس نهفته است به نام مقام رجبیت، با اعمال این ماه کشف کنیم، اگر کشف شد خودش بهشت است، وصل به بهشت است. روایتی که مرحوم شیخ عباس قمی (ره) در مفاتیح‌الجنان آورده، اگر عنایت بفرمائید روایت عجیبی است. امام معصوم (علیه‌السلام) می‌فرمایند که: « رجب نام نهری است در بهشت از شیر سفیدتر و از غسل شیرین‌تر، هر که یک روز رجب را روزه دارد البته از آن نهر بیاشامد » پس اولاً رجب یک نهر است، یعنی مقام است. چون می‌دانید که آب و درخت در بهشت عبارت است از « مِمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ » یعنی عبارت‌اند از آنچه شما عمل کردید، یعنی آنچه شما در این دنیا عمل می‌کنید دو درجه دارد. هرکس هرکاری بکند یک وجه آن « فکر » است و یک وجه آن « حرکت و عمل » است. شما امشب که به

لطف خدا نیت روزه ماه رجب را می‌کنید ، این نیت یک فکر است ، فکر این که خدایا می‌خواهم رجبی شوم ، این نیت است . و دیگر یک عمل است که انجام می‌دهید و آن ترک شهوات مثل غذا و غیره است و حتماً ملاحظه کرده‌اید در مورد انسان حتی ترک یک کار هم خودش کار به حساب می‌آید چون اراده می‌کند که آن کار را نکند و این اراده برای ترک آن کار ، خودش یک اراده است و در نفس انسان یک عمل به حساب می‌آید . شما اگر به خانه عمویتان نروید ، یک کاری نکرده‌اید ، چه کار کردید ؟ اراده به نرفتن را انجام دادید . پس هر کاری یک وجه عقیدتی و فکری ، و یک وجه عملی دارد . بزرگان می‌فرمایند که این عمل و عقیده است که در قیامت ظهور می‌کند . شراب طهور را در ازای چه چیزی به اهل البیت دادند که فرمود : « سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً » (انسان/۲۱) سه روز روزه گرفتند و افطاری‌شان را هم به نیازمند دادند ، یعنی این شراب طهوری که نصیب این ذوات مقدسه شد ، خیلی مقام است . می‌فرماید : پروردگارشان به آنها نوشاند « رَبُّهُمْ » . اگر یک ملکی به مایک ذره از آن شراب معنوی بدهد ، از شعف آن حالت معنوی ۶۰ سال فریاد می‌کشیم .

می‌فرماید : « سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَاباً طَهُوراً » ، مگر چه کار کردند ؟ با یک « عقیده توحیدی » بسیار عمیق یک « عمل توحیدی » انجام دادند که از خود برای خدا گذشتند ، ظهور آن عقیده و عمل چنین شد ، چون بهشت ظهور عقیده و عمل است ، برای همین هم در و دیوارش حرف می‌زنند . چون جان انسان آن جا ظاهر است . بهشت و جهنمش - هر دو - « تَطَّلِعُ عَلَى الْآفَنده » است ، یعنی از قلب ما به بیرون ظهور می‌کند .

پس اول یادتان باشد که بهشت چیست ؟ بهشت ظهور عقاید و اعمال ماست و به جان ما بسته است . یعنی بهشت از ما جدا نیست . آری به عنوان یک واقعیت در بیرون هست ، اما به جان ما بسته است . حالا در این بهشت یک نهری است که می‌فرماید : از غسل شیرین تر است و از شیر سفیدتر است ، این نهر اسمش « رجب » است . پس اولاً کسی که رجبی شد وصل به این نهر می‌شود . این نهر در کجاست ؟ در بهشت . پس کسی که رجبی شد وصل به بهشت می‌شود . ثانیاً : این اتصال بعد از مردن ما هست یا همین حالا ؟ امام (علیه‌السلام) می‌فرماید : هر کس بگوید بهشت بعد است ، از ما نیست . پس این بهشت

همین حالا هست . یعنی ان شاء الله همین امروز که تصمیم گرفتیم در این ماه رجبی شویم وارد بهشت شدیم ، خدا می داند که همین حالا وارد بهشت شدیم .

آیت الله جوادی آملی (حفظه الله) بحثی داشتند از کلام امام معصوم (علیه السلام) ، فرمودند : همین حالا وصل به بهشت می شویم ، همین حالا از بهشت خارج می شویم .

پس اولاً ما در رجب وارد شویم یعنی وارد بهشت می شویم ، الا این که عده ای وارد رجب نمی شوند بلکه وارد یک زمان می شوند مثل بقیه زمان های روزگار ، این که وارد رجب نشده است . اگر وارد شویم ، تازه وارد یک مقام خاص بهشت می شویم ، آن غسل و شیر هم روی حساب است . بزرگان اهل معرفت یک دقت هایی روی این غسل و شیر کرده اند که این ها دو حال و مقام است برای انسان .

یکی از مفسرین می گوید : پیامبر (صلی الله علیه و آله) به طور کلی هر غذایی که می خوردند ، می گفتند : الحمد لله . ولی وقتی شیر می خوردند می فرمودند که خدایا زیادش کن . بعد می گوید پیامبر (صلی الله علیه و آله) مأمور هستند که بگویند : خدایا علم مرا زیاد کن ، « قُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا » ایشان می گوید : پس این شیر همان مقام علم است ، ظهورش در نفس انسان علم است . مگر علم ، جان را تغذیه نمی کند ؟ بهترین غذا برای جان مادی ، شیر است . و برای جان غیبی ، علم است و با هم یک رابطه دارد . « محی الدین عربی » در کتاب فصوص الحکم می گوید : ابی خالد ، در خواب دید که شیر خورده است . شب آمد خدمت یکی از عرفاء و خوابش را گفت . آن عارف می گوید : این خواب دو حالت دارد . اینکه این خواب راست است شکی نیست ، حال تو دیشب شیر خوردی ؟ گفت نه ! به او گفت اگر استفراغ کنی شیر استفراغ می کنی . این حکم خوابت در این موطن دنیا . اگر هم بخواهی پذیری ، شیر یعنی علم ، یعنی به تو علم می دهند . چون شیر در مقام غیب ، علم است ، در مقام عالم ماده شیر است . ایشان می گوید من وسوسه شدم که من شیر نخورده ام ، خودم را وادار به تهوع کردم شیر بیرون آمد .

چیز پیچیده ای نیست . در روایات هم داریم که پیامبر (صلوات الله علیه و آله) به عایشه فرمودند : که برو روزهات را افطار کن - ظاهراً روزه مستحبی بوده - عایشه گفت : چرا ؟ فرمودند : که خودت روزهات را افطار کردی ، گوشت خوردی . گفت کی من غذا خوردم ؟ (این همان غیبت بود که بعد از لای دندان هایش متوجه وجود گوشت خام شد) .

این مقام شیر در نهر رجب را اهل معرفت می‌فرمایند که در بهشت مقام علم توحیدی است. اگر شما ماه رجب را حفظ کنید، ان‌شاءالله معرفت توحیدی نصیب‌تان می‌شود. آن وقت آن علم توحیدی ماه رجب علمی است که به راحتی به دست نمی‌آید، کسی که رجبی شد یک معرفت خاصی پیدا می‌کند که ظهورش همان شیر بودن آن نهر است که از قلب او ظهور کرده. و نیز می‌فرمایند: آن نهر از غسل هم شیرین‌تر است، چون غسل حرکت و گرما می‌آورد، تحرک می‌آورد. یعنی اراده‌های توحیدی و همت عمل توحیدی آدم را زیاد می‌کند. ببینید که منظورشان چیست؟ شما گاهی دلتان می‌خواهد که با یک شور و حرارتی بلند شوید و نماز شب بخوانید، ولی خواب نمی‌گذارد. این اراده نماز شب خواندن و راحت جلو رفتن به اصطلاح علماء اخلاق یک توان عقل عملی است و این غیر از عقل نظری است. می‌گویند: این همان غسل بهشتی است. یعنی حرارت انجام اعمال الهی را رجب به آدم می‌دهد. با این مبنا غفلت نکنید که همین حالا بحث جای خودش دارد می‌نشیند که خبر از شیر و غسل دادن آن هم به شدت بهشتی یعنی چه.

روایت‌های خوبی هست. اما پیشنهاد می‌کنیم اول این مسئله برای‌مان حل شود که از ماه رجب چیزهای عجیبی می‌توانیم به دست آوریم.

ماه ولایی شدن

آن روایت را داشته باشید که می‌فرماید: ماه رجب ماه خدا است، ماه شعبان ماه پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) است و ماه رمضان ماه امت رسول‌الله است. یعنی با شروع ماه رجب که ماه خداست، پس از خدا شروع می‌شود و پس از آنس با پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) در شعبان به یک خودیابی در ماه رمضان می‌رسیم. آن روایت را با این روایت جمع کنید که ماه رجب ماه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است. همان‌طور که ماه شعبان ماه حضرت رسول (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) و ماه رمضان، ماه خدا است، طبق این روایت، ماه رجب ماه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) است، یعنی ماه ولایت. «ولایت» یعنی زدودن جنبه‌های غیر الهی از دل و یک به خود آمدن، دلی که ولایی شد این دل غیر حق را نمی‌خواهد، آن وقت این دل عشق به نبی - که مظهر نمایش صفات حق است - می‌رسد و برایش پیدا می‌کند. ماه رمضان می‌شود شهرالله می‌شود ماه ملاقات با خدا. این روایت

می‌گوید: خودت را برای من در این ماه خالص کن تا بتوانی ولایت و نبوت را بفهمی و از خدا شروع کن - در ماه رجب - و به خدا ختم کن - در ماه رمضان - .

پس یک خلوص اولیه داریم با ماه رجب، روزه و استغفار ماه رجب از این کارها می‌تواند بکند. آدم روزه که بگیرد و ان شاء الله دعاهای ماه رجب را هم بخواند و دقت کند، به قول بزرگان می‌گویند: دعاهای ماه رجب عجیب است این قدر عجیب است که عده‌ای ادعا می‌کنند که بعضی از این دعاها در ماه رمضان هم پیدا نمی‌شود و انصافاً هم از جهت توحید و ولایت یک مراتب خاصی در دعاهای ماه رجب هست، خدا توفیق‌مان بدهد که هم درس بگیریم و هم به کمک آن ادعیه با خدا مناجات کنیم.

تأکیدی داریم تا ان شاء الله همه‌مان نتیجه بگیریم، یکی ایجاد زمینه نورانیت فکری‌ای است به کمک دعاها و تأمل در محتوا و فرهنگ دعاها، که عامل زمینه نورانیت فکری است، و حیف است که این دعاها را از دست بدهید. یکی هم ایجاد زمینه همت عملی است با روزه.

خدا رحمت کند آیت‌الله ملکی تبریزی را، یک چیزی که در تمام کتاب‌شان مرتب تکرار و تأکید می‌کنند و به خصوص در ماه رجب و ماه رمضان، این است که: شما ببینید مثلاً می‌گویند این ده رکعت نماز را هر شب ماه رجب بخوانید غیر ممکن است که وارد بهشتی نشوید، حالا یکی بگوید این ده رکعت که چیزی نیست. اگر چیزی نیست این همه آدم که زیر پرچم اسلام هستند چند نفرشان این کاری که چیزی نیست را می‌کنند؟ پس معلوم است که چیزی هست. بفرمایید واقعاً یک چیز آسانی است، ایشان می‌فرماید: خدا می‌خواهد بنده‌اش را امتحان کند ببیند اعتماد به حرف خدا دارد یا نه؟ اعتماد به حرف ولی‌الله امام معصوم (علیه‌السلام) دارد یا نه؟ امام معصوم (علیه‌السلام) می‌فرماید: این کار را بکنید این نتایج را دارد، ولی از آن جایی که ما اعتماد نداریم. می‌گوییم مگر می‌شود. آن وقت چون نمی‌دانیم که می‌شود یا نمی‌شود جلدی نمی‌گیریم و همین موجب ضرر می‌شود. اما آن طرف قضیه را خودتان می‌دانید با اینکه به واقع آسان است. این که می‌بینید همه توفیق آن را ندارند معلوم است کار مشکلی است ولی از نظر توفیق، و نه از نظر عمل چون که تمام دعاهایش یک ساعت بیشتر طول نمی‌کشد. حال اگر انسان یک ساعت در هر روز ماه رجب خودش را برای ماه رجب فارغ کند بسیار نتیجه می‌گیرد، که به نظر می‌رسد ما

خیلی بیشتر از این ها تلویزیون تماشا می کنیم ، پس چیزی نیست عمده همت ماست که بتوانیم توفیق عمل پیدا کنیم .

تأکید بیشتر ما روی این قضیه است که ماه رجب ماهی است که ما باید دنبال کشف یک کمالی بگردیم و مرتب خودمان را آماده و آماده کنیم تا کمالی در ما پیدا شود که وقتی به طور کلی « **يَدْعُ الدَّاع** » می خوانند و ندا می کنند : « **أَيْنَ الرَّجَبِيِّونَ** » ان شاء الله ما جذب می شویم .

بصیرت های بی سر و صدا

تذکر : گاهی دوستان می پرسند اذکاری که بخواهیم اهل سیر و سلوک شویم چیست ؟ اصل قضیه را که متوجه هستید می گوئیم تا ان شاء الله با هم راه بیفتیم . ببینید ما دو نوع عارف داریم ، یک نوع عارف پرآوازه که عموماً همه آنها را می شناسند ، ولی مگر اسلام دینی نیست که بی سروصدا انسان را در عمق جان نورانی می کند ، و اصلاً بزرگانی که به حقایق وصل شدند عموماً سروصدا ندارند و لذا باید بی سروصدا دنبال نورانی شدن جان خود باشیم و این نکته باید حل شود . شما فکر می کنید کم آدم پیدا شده است که بی سروصدا ماه رجب شان را حفظ کرده اند ، ماه شعبان و ماه رمضان شان را حفظ کردند ، پنجشنبه اول ماه و آخر ماه و چهارشنبه وسط ماه شان را روزه گرفته اند و بحمدالله به جاهایی رسیده اند که عرفای پرآوازه غبطه شان را می خورند . با چی ؟ با همین ماه رجب . اصلاً بیشتر از این زیر این آسمان برکت نیست . در ماه رمضان که روزه داری واجب است ، یعنی اصلاً مقام مستحبی که شما بخواهید به آن دست پیدا کنید ، خدا می داند بالاتر از ماه رجب زیر این آسمان نیست . یک شعوری برای آدم پیش می آید ، یک ملکاتی و فهمی گیر آدم می آید که دیگر گفتنی نیست ، خوشا به حال رجیبون . ما شنیده ایم و امیدوار شده ایم . پس اعمال و اذکار ماه رجب دستورالعمل به جایی رسیدن است . این مفاتیح الجنان شیخ عباس قمی (ره) یک دستورالعمل سلوکی است که به کمک احادیث معصوم تدوین شده . وقتی که به دوستان می گوئیم آقا به کمک دستورات مفاتیح ماه رجب و شعبان و رمضان خود را حفظ و احیاء کنید ، فکر می کنند که ما کار را دست کم گرفتیم .

فرمودند که از دهان شیخ عباس قمی (ره) نور بیرون می‌آمد. ایشان شاگرد مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبائی (ره) بوده است. مرحوم قاضی طباطبائی یعنی استاد علامه طباطبائی (ره) را جناب آقای حداد آن عارف بزرگ در وصفش می‌فرماید: من سیر کردم در باطن همه عرفای تاریخ، بالاتر از آیت‌الله قاضی (ره) بعد از معصوم ندیدم. این مرحوم شیخ عباس قمی شاگرد عرفانی مرحوم آیت‌الله قاضی طباطبائی بود، و مفاتیح را با چنین روح و روحیه‌ای تدوین کرده است. خودش اهل سیر و سلوک است، ولی نه سیر و سلوک با سروصدا که یک چیزهایی بگوید که ما بگوییم خوشا به حالش، نه، این‌ها بی‌سروصدا هستند، گفتنی نیست. مرحوم ملا عباس تربتی در کتاب فضیلت‌های فراموش شده، تذکری می‌دهند. مرحوم راشد فرزند ایشان در آن کتاب می‌گوید: «یک هفته قبل از فوت‌شان، حدود یک ساعت یک دفعه نوری آمد در خانه ما که همه می‌دیدیم، پدرم می‌خواست بلند شود نمی‌توانست، گریه می‌کرد و گفت: السلام‌علیک یا زینب کبری. ایشان می‌فرماید: همان طور سر خود را به عنوان سلام تکان می‌داد و نور یک ساعت حضورش ادامه داشت و همچنان پدرم گریه می‌کرد و سلام می‌داد و به یک یک ائمه و پیامبر (صلوات‌الله‌علیه‌وآله) و فاطمه زهرا (علیها‌السلام)». همه هم می‌دانیم جناب آقای راشد که این قضیه را نقل کرده روی هم رفته آدم خشکی است و خودش هم می‌گوید من عموماً سعی می‌کردم این‌گونه موارد را باور نکنم تا اینکه خودم با چشم‌هایم دیدم. و بعد هم می‌گوید: چند بار به پدرم گفتم این قضیه چه بود؟ ولی ایشان در جواب من می‌گفتند: حسنعلی، این‌ها چشیدنی است و نه شنیدنی.

غرض از این عرایض این است که امثال ملا عباس تربتی به جایی می‌رسد که در آخر عمر نور ائمه معصومین به سراغش می‌آیند ولی هیچ وقت ادعایی هم ندارند، فقط با نمازهای طولانی و روزه‌های سالیانه به این جا رسیده‌است و ماه رجب و دستورات آن این طوری آدم را می‌رساند و تربیت می‌کند. شما یک صدم این را بدهید دست عرفای پرسروصدا. آن چنان بزرگش می‌کنند که حتی انسان‌ها از سیر و سلوک مأیوس می‌شوند، عرفای شیعه بی‌سروصدا هستند. با ماه رجب هم به جاهایی که باید برسند، رسیدند. شما دنبال این و آن راه بیفتید به هیچ دردی نمی‌خورد. بروید دنبال دستورات ائمه که در امثال مفاتیح‌الجنان هست. ماه رجب، روزه دوشنبه یا چهارشنبه وسط ماه و پنج‌شنبه اول و آخر

ماه ، بی سروصدا، تمام شد . یک چیزهایی به دست می آورید که به کسی نمی توانید بگویید ، کسی هم نمی تواند به شما بگوید . بناهم نیست به کسی بگویی الا اینکه مأمور باشید ، آن کسی هم که مأمور است دست بقیه را بگیرد که مقامش ، مقام ولایت و نبوت است که به ما مربوط نیست ، ما که مأمور این چیزها نمی شویم ، زرنگ باشید از یک شواهدی اصل مطلب را می فهمید ، همان کافی است . مرحوم آیت الله طالقانی (ره) زرنگ بود . عصر روز بیست و یکم یا بیست و دوم آبان ، امام (ره) فرمودند : حکومت نظامی را بشکنید و بروید در خیابان ها ، هر چه می خواهد بشود . مرحوم آیت الله طالقانی (ره) جهان دیده است ، سیاست می شناسد ، می داند ریختن در خیابان ها یعنی چه ؟ امام (ره) می فرمایند : باید بریزید در خیابان . مرحوم طالقانی تلفنی به امام (ره) می گویند : آقا خطرناک است ، مردم را می کشند ، و اصرار می کنند و می گویند : امام زمان (عجل الله تعالی) راضی نیست . امام (ره) می فرمایند : از کجا که دستور امام زمان (عجل الله تعالی) نباشد ؟ آیت الله طالقانی چون مرد کار است یک مرتبه مطلب را می گیرد و می گوید ببخشید . و تنها چیزی که امام (ره) بعدها در باره آن صحبت نکردند همین بود و آیت الله طالقانی (ره) هم همین قدرش را می توانستند بگویند . آیا درست بود یا نبود ؟ یعنی اگر آن شب در خیابان نریخته بودند مطمئن باشید هنوز انقلاب اسلامی محقق نشده بود . عرفای ما که ادعا ندارند ، بی سروصدا هستند . امام (ره) در کتاب های « مصباح الهدایه » و یا « شرح دعای سحر » یک چیزهایی یواشکی در حرف هایشان هست که اهل نظر می گویند خیلی مراتب را طی کرده است ، ولی بی سروصدا . تأکید ما همین باشد که دعاها و روزه و اذکار ماه رجب یک بصیرتی به انسان می دهد که آن بصیرت آن چنان است که فقط می توانید داشته باشید و با آن زندگی کنید ، ان شاء الله .

زیرکی بفروش و حیرانی بخر

تأکید بعدی هم باز روی ماه رجب است . این ماه رجب یک جنس آدم درست کردن دارد . ما چیزی نمی دانیم به شما بگوییم ، فقط همین را بگوییم که : مرحوم آیت الله ملکی تبریزی (ره) در کتاب « سلوک عارفان » می فرماید : « حتی به علماء پیشنهاد می کنم که این ماه ، تحقیق علمی - یعنی حتی تحقیق در قرآن و روایت را - کم کنند و به عبادت بپردازند » . چه کسی این را می گوید ؟ کسی که هم مجتهد است و هم در عین حال شاگرد ملا حسینقلی همدانی است ، حس غیب شناس دارد ، غیب را می شناسد . می فرماید :

من پیشنهاد می‌کنم در این ماه تحقیق علمی، بحث و درس را کم کنید و به عبادت بپردازید. یعنی ادراک مقام رجب طبق دستوراتی که ائمه(علیهم السلام) به ما داده‌اند از طریق عبادت بیشتر ممکن است.

البته کسی که آن قدر معرفت ندارد که با این دعاها اتحاد پیدا کند این اول باید برود مشکل خودش را حل کند. وقتی که تو در دعا این اظهارات را می‌کنی باید قلبت تصدیق کند، قلب که تصدیق کرد آن وقت بعد ان شاء الله راه می‌افتد. به همین جهت ما پیشنهادمان این بود که این مباحث را در سه ماه تعطیل کنیم، به دوستان هم عرض کردیم، **دین‌دانی بس است**، **دین‌داری اصل است**. ممکن است حضورتان در این جلسات با انگیزه دین‌دانی باشد و ضرر کنید، نمی‌دانیم عزیزان با یک شور معنوی می‌آیند یا با یک کنجکاوی علمی؟
گفت:

زیرکی ظن است و حیرانی نظر زیرکی بغروش و حیرانی بخر

کنجکاوی علمی بد نیست، اما ماه رجب حیف است، دل‌مان می‌خواهد در این سه ماه فضای معنوی و سلوک روحانی حاکم باشد.

تعلیم بس است، تجرید!

آفت این جلسات این است که آدم دیگر با خودش درگیر نیست، می‌آید ببیند که بقیه چه می‌گویند؟ این خوب نیست، گاهی آدم باید ببیند که خودش چه می‌گوید؟ خدا آیت‌الله حسن زاده را حفظ کند، یک هفته قبل از ماه رجب خدمت‌شان بودیم دوستان عرض کردند که آقا چه دستوری برای ماه رجب می‌دهید؟ ایشان با یک تأکید و شدتی گفتند: ماه رجب بروید خودتان را ورق بزنید. عرض ما نیز همین است که باید یک جوری خودمان را ارزیابی کنیم. می‌گویند: «**تعلیم بس است**، **تجرید**» یعنی با خود بودن، تعلیم یعنی از غیر چیز گرفتن. اگر من برای شما بگویم و شما حرف‌های مرا گوش کنید، پس کی به خودمان برگردیم؟ آن تجرید، آن یگانه شدن با خود. امیرالمؤمنین(علیه السلام) می‌فرمایند: «از وقتی که من از فرمایش خود پیامبر(صلوات الله علیه وآله) شنیدم که ماه رجب و شعبان چه نتایجی برای مؤمن دارد، دیگر هیچ وقت تا آخر عمرم روزه ماه رجب و شعبان را ترک نکردم». باید از خدا بخواهیم که هم توفیقش را بدهد و هم معرفتش را. و از خدا بخواهید که توفیقات کم نخواهیم. سه روز چرا؟ همه‌اش را می‌خواهیم. ماه رجب چرا؟ ماه شعبان

را هم می‌خواهیم . شعبان چرا ؟ ماه رمضان و آن شش روز شوال را هم می‌خواهیم ، یک جوری باید کار اساسی شود .

در روایت داریم که پیامبر خدا (صلوات الله علیه وآله) فرمودند : « **إِنَّ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ ، أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا** » یعنی در روزگار و گاه و بیگاه در زندگی‌تان نفحات و نسیم‌های معنوی برجانتان می‌وزد ، آگاه باشید که خود را در معرض آنها قرار دهید . حال چگونه خودمان را در معرض نفحات ماه رجب قرار دهیم تا آن بصیرت و همت را پیدا کنیم ؟ همین دستورات ماه رجب را عمل کردن ، مساوی است با در معرض نفحات و نسیم‌های ماه رجب قرار گرفتن . به گفته مولوی :

گفت پیامبر (ص) که نفحات‌های حق اندر این ایام می‌آرد سبق
گوش و هوش دارید این اوقات را در ربایید این چنین نفحات را
نفعه‌ای آمد شما را دید و رفت هر که را می‌خواست جان بخشید و رفت

خودتان دیده‌اید ، ما هم دیده‌ایم . طرف را نگاه می‌کنید فکر می‌کنید هیچی نیست و هیچ توانی هم ندارد . اما همه آنهايي که ما آرزویش را داریم ، این با همتش به دست آورده است .

نفعه‌ای دیگر رسید آگاه باش تا از این هم وانمانی خواجه ! تاش

یعنی تلاش کن نفعه ماه رجب را از دست ندهی . می‌گوید : من به این گرفتاری‌ها افتادم ، شما مواظب باشید . مولوی در آخر دفتر دوم در مورد ظلماتی که در اثر لقمه و غذا پیش می‌آید درد و دلی دارد ، می‌داند که مولوی آن چنان نبوده است که خودش اراده کرده باشد تا شعر بگوید ، بلکه به جهت ریاضت‌ها و آمادگی‌های روحی در یک جذبۀ معنوی وارد می‌شده و دیگر بی‌اختیار شعر می‌گفته و اطرافیانش به خصوص حسام‌الدین چلپی آن شعرها را می‌نوشته ، در درد دل خود می‌گوید : عجب من یک لقمه اضافه خورده‌ام تمام روحم خاک آلوده شده و در اثر آن لقمه گویا خاری در روحم فرورفته .

سخت خاک آمیز می‌آید سُخُن آب تیره شد سرِ چَه ، بند کن

یعنی دیگر نمی‌توانم در آن جذبۀ باشم و شعر بیاید.

دوش دیگر کون این می‌داد دست لقمه‌ای چندی در آمد ره به بست

لقمه کارش این است ، گاهی یک لقمه اضافی در غیب را می‌بندد .

از برای لقمه‌ای این خار خار
 از کف لقمان برون آرید خار
 خاردان آن را که خرما دیده‌ای
 زانکه بس نان کور و بس نادیده‌ای
 پیش از این کین خار پابرون کنی
 چشم تاریک است ، جولان چون کنی
 بهر لقمه گشت لقمانی گرو
 وقت لقمان است ای لقمه برو
 جان لقمان که گلستان خداست
 پای جانش خسته خاری چراست

همین طور است که لقمه اضافی پای جان انسان را خسته می‌کند و سیر روحانی انسان را متوقف می‌نماید . برایتان پیش آمده است یک بار که سیر هستید ولی باز غذا می‌خورید ، می‌بینید که چه قدر روحتان نکبت شد و میل‌تان همه افتضاح شد . برای یک لقمه این همه دغدغه ، این همه وسوسه درونی که به جهت آن همه دین از قلب رفت .

از برای لقمه‌ای این خار خار
 از کف لقمان برون آرید خار

در ماه رجب خاری را که در کف پای لقمان جان‌مان فرورفته است باید در آوریم تا بتواند جولان دهد و گرنه وقتی چشم دل بسته است هر چه هم جولان کنی به جایی نمی‌رسی « چشم تاریک است ، جولان چون کنی » .

خار دان آن را که خرما دیده‌ای
 زان که بس نان کور و بس نادیده‌ای

این فرومایگی است که انسان وصل به نان است و این کوری است ، نمی‌فهمی این خرما فعلاً خار جان است .

جان لقمان که گلستان خداست
 پای جانش خسته خاری چراست

شما امتحان کرده‌اید ، ما امتحان کرده‌ایم ، نمی‌شود . وقتی که می‌گوییم خدا ، عقل می‌گوید و جان نمی‌گوید . چرا جان نباید بگوید خدا ؟ چرا وقتی که می‌خواهیم دعا بخوانیم نمی‌شود ؟ ریشه‌اش کجاست ؟ ریشه‌اش ماه رجب نداشتن است . « جان لقمه که گلستان خداست » مگر قلب مؤمن ، عرش رحمان نیست ؟ چه شده که آن احساس خدا داری از بین رفته ؟

اشتر آمد این وجود خار خار
 مصطفی زادی بر این اشتر سوار

شتر چه می‌خواهد بخورد ؟ سرش را زیر می‌اندازد و خار می‌خورد . یک مصطفی ، یک پیامبر ، یک انسان روحانی ، یک جان ملکوتی ، روی این اشتر نشسته است . این اشتر را باید سرش را بالا آورد ، او بخورد و ما هم بایستیم که نمی‌شود ! یک کوزه عطری روی این اشتر

است ، اشتر زیاد نباید خم شود که این کوزه می افتد، باید سرت را بالا بیاوری . در ماه رجب ان شاء الله و به لطف خدا باید سرتان را بالا بیاورید .

اشتر آمد این وجود خار خار مصطفی زادی بر این اشتر سوار

مگر ما از نسل مصطفی (صلوات الله علیه وآله) نیستیم ؟ ما همه مان فرزندان پیامبر (صلوات الله علیه وآله) هستیم . ما سوار بر اشتر بدن هستیم .

اشتر را تُنگِ گلی بر پشت توست کز نسیمش در تو صد گلزار رُست

مواظب باش با خیلی توجه به زمین و میل های زمینی این تُنگِ عطر نیفتد .

میل تو سوی مغیلان است و ریگ تا چه گل چینی ز خار مُردگی

همان طور که از خار مغیلان و ریگ شتر گل سرسبز نمی تواند به دست آرد . تو هم با نان و غذا نمی توانی نسیم روحانی روحت را به دست بیاوری .

ای بگشته زین طلب از کو به کو چند گویی کین گلستان گُو و گُو

گلستان پیش تو است با توجه بیش از حد به نان آن گلستان گم شده است . اول باید خود را از حاکمیت نان آزاد کنی .

پیش از آن کین خار پا بیرون کنید چشم تاریک است جولان چون کنید

حالا درس تفسیر بیاییم و نماز بخوانیم ، تا این جان را از میل های فاسد حاکم بر روح آزاد نکنیم ، هرچه بدویم فایده ای ندارد ، این خار وقتی کف پای جان آدمی هست ، هرچه بدود بیشتر فرو می رود .

پیش از آن کین خار پا بیرون کنید چشم تاریک است جولان چون کنید

پس اول باید خودتان را از این میل های بدنی آزاد کنید ، آن وقت باور کنید غذا هم که می خورید نور می دهد . در روایت داریم که : « مؤمن وقتی غذا بر او حاکم نبود ، افطارش نورانش می کند » .

بعد مولوی یک نکته خیلی بیدار کننده ای را مطرح می کند که چگونه وجود مجرد نامحدود انسان ، محدود به یک لقمه نان می شود و این با اینکه خیلی عجیب است ولی واقعیت دارد .

ملاحظه می کنید از یک طرف تمام دنیا برای انسان کم است ، همه دنیا نمی تواند شما را قانع کند ولی یک وقت هم در یک لقمه نان گم می شویم . اسیر یک لقمه نان می شویم ، چه طور شده است که انسان اسیر می شود ، گم می شود ، آدمیت او گم می شود ؟ این حرف اصلی ما است در این ماه که بیاید آن وسعت آسمانی خود را از گم شدن در محدوده دنیا نجات دهیم ، بقیه اش هم به امید دعاها و ذکرها . و اینکه زیارت اباعبدالله (علیه السلام) را شروع ماه رجب قرار بدهید ، چون خواستند ما به همه چیز برسیم راه معاشقه با اباعبدالله (علیه السلام) را برای ما باز کردند ، که شروع خوبی برای ورود به ماه رجب است .

« والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ »